

چکیده

هر کس که مدّعی حَقّی است و خواهان رسیدن به آن می‌باشد، ناگزیر از طرح دعوا در مراجع دادگستری می‌باشد. اما صرف ادّعی داشتن حَقّی، نمی‌تواند مفید در نائل آمدن به مقصود باشد؛ لاجرم مدّعی حق باید لوازم و اسباب دیگری را برای خود، فراهم آورد تا همراه با بیان ادّعا در مرجع قضایی، با توسّل بدان ابزار بر مشکلات موجود در رسیدن به حقّ خود فائق آید. از جمله این موارد جهات و تعهداتی است که در بند ۴ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی بدان اشاره شده است. جهات و تعهدات حاضر در این بند به نظر یکی از مهمترین مواردی است که اگر به درستی تبیین نشده و فراهم نیاید، هم در رسیدن به حق، خواهان را یاری نمی‌نماید و موجب شکست وی در این راه می‌گردد و هم بعضاً راه را برای طرح دعاوی دیگر می‌تواند باز یا همراه با مانع نماید. اما این بند دارای ابهام بوده و آن نیز این مسئله است که مشخص نشده است منظور از جهت در این بند همان سبب می‌باشد و یا اینکه مقنّن در اینجا امری دیگری را مدنظر داشته است؛ چرا که سبب و جهت هر کدام در قوانین مختلف دارای مفاهیم متفاوت از یکدیگر بوده که نگاهی به قانون مدنی و قانون جزا مبین این موضوع می‌باشد. به نظر می‌رسد با بررسی مسائل مطرح شده در فوق می‌توان جدای از مقایسه مفاهیم مدنظر قانون مدنی، حقوق جزا و آیین دادرسی مدنی، درباره سبب و جهت، به مقایسه این دو عنوان در بند ۴ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی با یکدیگر نیز پرداخت و بیان داشت که این دو در این ماده دارای یک مفهوم و کارائی می‌باشند و یا اینکه خیر و متفاوت از هم و دارای اهدافی مجزا از یکدیگر می‌باشند.

کلمات کلیدی: آیین دادرسی مدنی، دعوا، سبب، جهت و اعتبار امر قضاوت شده